

فشار چین به ایران برای پذیرش FATF

تجارت نیوز نوشت: سید محمد صدر، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام، از جمله کسانی است که معتقد است دیر یا زود باید FATF (اف ای تی اف) در ایران اجرا شود. از جمله آنکه چین، شریک تجاری و سیاسی اصلی ایران چنین خواسته‌ای دارد.

به گزارش سایت خبری پرسون، افزایش فشارهای اقتصادی به مردم در کنار نارضایتی‌های اجتماعی باعث شده تا دولت سیزدهم برای بهبود شرایط روزهای سختی را پیش رو داشته باشد. در حالی که این دولت سعی دارد با برخی اصلاحات داخلی و بازسازی روابط با برخی کشورهای شرقی و عربی، شرایط را تا حدودی تغییر دهد، اما بیشتر کارشناسان معتقدند که بدون خروج از فهرست سیاه FATF و احیای برجام، برنامه‌های دولت به بن‌بست خواهد رسید.

سید محمد صدر، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز معتقد است که برخی مسئولان درک درستی از مسائل ایران ندارند یا هنوز به این درک نرسیده‌اند که سفره مردم به ارتباطات بین‌الملل و مسائلی نظیر FATF گره خورده است. اما سرانجام به این نتیجه می‌رسند که باید سیاست خارجی را در نظر بگیرند.

در ادامه مشروح گفتگو را با او می‌خوانید.

طی دهه‌های اخیر نقشه راه ایران در سیاست خارجی به انزوای بین‌المللی نزدیک بوده و در دولت سیزدهم نیز چنین سیاستی، به‌ویژه در مواجهه با غرب تقویت شده است. این تافته جداافتاده شدن برای ایران چه نتایجی داشته است؟

انزواطلبی بین‌المللی و تداوم آن برای ایران تبعات بسیار بدی دارد و در پی خود انزوای اقتصادی را برای کشور ایجاد می‌کند. چنین رویکردی، مهم‌تر از روابط دیپلماتیک، مشکلات اساسی در روابط تجاری ایران ایجاد می‌کند.

به‌عنوان مثال امروز اکثر کشورهای جهان عضو FATF هستند؛ چراکه دولت‌ها می‌دانند اگر عضو این سازمان نباشند و در فهرست سیاه قرار بگیرند در تجارت خارجی با مشکل جدی مواجه می‌شوند. نظیر آنچه اکنون برای ایران رخ داده و امکان مبادله پولی و مالی با بانک‌های بزرگ دنیا وجود ندارد.

به نظر می‌رسد این مسئله هنوز مورد درک دولت قرار نگرفته است. البته مسئولان دولت بهتر از هر کسی آگاه هستند که دیر یا زود باید به سمت حل این مشکل حرکت کنند؛ اما اینکه چرا تا امروز اقدامی صورت نگرفته جای سؤال دارد؟

حضور ایران در لیست سیاه FATF علاوه بر اینکه مضر است و نام ایران را در کنار کره شمالی و میانمار قرار می‌دهد، باعث می‌شود از حدود ۱۹۰ کشور دیگر جهان عقب بماند. مشخصاً چنین شرایطی معنای بدی دارد.

حتی گفته می‌شود چین که امروز دوست و برادر ایران محسوب می‌شود به مسئولان توصیه کرده که مسئله FATF را حل کنند. این موضوع برای چینی‌ها حائز اهمیت بالایی است.

به هر حال خروج از فهرست سیاه FATF شرایط خاص خود را دارد که تنها یکی از آن‌ها انجام مبادلات مالی بین‌المللی در فضایی شفاف است. آیا مبادلات مالی ایران شفاف است؟

باید از مسئولانی که تجارت خارجی را بر عهده دارند پرسید که چرا تجارت چمدانی را بر مبادله مالی شفاف ترجیح می‌دهند و در واقع لقمه را دور دهانشان می‌چرخانند؟

زمانی که می‌توان مبادلات مالی را راحت انجام داد، چرا کار را سخت می‌کنند؟ قطعاً مسئولان کشور تحلیل درستی از سازمان‌های بین‌المللی ندارند؛ اما باید نسبت به عواقب تصمیم خود پاسخگو باشند.

آیا بدون پذیرش لوایح مربوط به FATF امکان گشایش اقتصادی که دولت مدعی آن است، وجود دارد؟

راه حل مشکلات اقتصادی در ایران مختص به راهکارهای اقتصادی نیست و به شکلی جدی به سیاست داخلی و خارجی مرتبط است.

برای مثال تنش در بازار ارز که به اقتصاد کشور آسیب رسانده، علت غیراقتصادی دارد؛ با انزوای بین‌المللی که یکی از آن‌ها همین بی‌توجهی به FATF یا احیای برجام است، پول حاصل از درآمدهای نفتی ایران در اختیار کشور قرار نمی‌گیرد و طبیعی است که کشور با کسری ارز و افت ارزش ریال مواجه شود.

ضمن آنکه حتی وقتی پولی هم به کشور وارد می‌شود، اختیار هزینه‌کرد آن وجود ندارد و فقط در مواردی خاص امکان خرج آن به وجود می‌آید.

به عنوان مثال در مورد انتقال پول ایران در کره جنوبی مشخصاً با همین مشکل مواجه هستیم و سیاستی که در پیش گرفته‌اند چندان مستقلانه نیست و به نظر می‌رسد دولت احاطه‌ای بر منابع ارزی ندارد.

به طور رسمی به ما دستور می‌دهند که ارز خود را برای غذا و دارو خرج کنیم یا این پول را به پرداخت بدهی‌های خود اختصاص دهیم. عملاً در چنین شرایطی این پول‌ها نمی‌تواند دردی از اقتصاد ایران دوا کند؛ موضوعی که کاملاً توهین‌آمیز است.

آیا می‌توان گفت که موضوع FATF در بین تصمیم‌گیران کشور فراموش شده است؟

بله؛ چراکه پیگیری خاصی در این زمینه نمی‌شود. اما سرانجام مسئولان به این نتیجه می‌رسند که باید سیاست خارجی را در اولویت قرار دهند. در غیر این‌صورت چنان ضربه‌هایی به اقتصاد ایران وارد می‌شود که کشور به نقطه‌ای غیرقابل جبران می‌رسد.

شائبه‌هایی مبنی بر کمک‌رسانی ایران به روسیه در جنگ با اوکراین، موضع ضد ایرانی غرب را تشدید کرده است. آیا لازم بود در چنین شرایطی کشور دخالتی در این موضوع داشته باشد؟

باید گفت که موضع‌گیری‌های غرب یا حضور در فهرست سیاه FATF تقریباً هیچ ارتباطی به مسأله اوکراین ندارد. شروع این مسأله مربوط به مدت‌ها قبل از آغاز جنگ روسیه با اوکراین است.

به هر حال درمورد روسیه و اوکراین سیاست ایران مشخص بود. امروز هم کسانی باید پاسخگوی آن باشند که از این سیاست دفاع کردند، البته وزارت خارجه اعلام کرده که ایران دخالتی در این جنگ نداشته است.

در مجموع به نظر می‌رسد ایران در سیاست بین‌الملل همواره در زمین روسیه بازی می‌کند؛ آیا مسکو و ولادیمیر پوتین مأمن مطمئنی برای ایران هستند؟

در سیاست خارجی نمی‌توان به هیچ کشوری اعتماد کرد. روابط دیپلماتیک محل برخورد منافع کشورهاست و تمام دولت‌ها به دنبال تأمین منافع ملی خود هستند.

منافع ملی حکم می‌کند که با تمام کشورها، به‌ویژه با کشورهای مهم، تأثیرگذار و دارای تکنولوژی روز ارتباط داشته باشیم. ارتباط با روسیه و چین اشکالی ندارد، اما اینکه تنها با روسیه یا چین ارتباط داشته باشیم مشکل‌ساز می‌شود.

ایران با توجه به موقعیت استراتژیکی که دارد، چهارراه دنیاست و می‌تواند محلی برای رفت و آمدهای بزرگ بین‌المللی سیاسی و اقتصادی باشد. سیاست خارجی را باید به گونه‌ای تقسیم‌بندی کرد که کشور از چنین امتیازی بهره‌مند شود.

در شرایط فعلی آخرین وضعیت برجام چگونه است؟ آیا مذاکرات به نتیجه خواهد رسید؟

برخی می‌پرسند تفاوت اصول‌گراها با اصلاح‌طلب‌ها چیست؟ تفاوت اساسی که این دو جریان را از هم تفکیک می‌کند این است که فهم مسائل سیاسی و بین‌المللی در اصلاح‌طلب‌ها سریع‌تر اتفاق می‌افتد. اما اصول‌گراها دیرتر به چنین فهمی می‌رسند. البته بخشی از اصول‌گراها هم نشان داده‌اند که ممکن است هیچ‌گاه به چنین فهمی نرسند.

من معتقد هستم ابراهیم رئیسی پیش از رسیدن به ریاست دولت که اعلام کرد سفره مردم و مشکلات اقتصادی را به برجام گره نمی‌زند تصور دستیابی به توفیق را داشت. اما او طی دو سال اخیر متوجه شد که روابط و تجارت خارجی، تأمین ارز، فروش نفت، تبادل کالا، انتقال تکنولوژی و خروج سرمایه با همدیگر ارتباط تنگاتنگ دارند.

بنابراین مطمئناً او دیگر چنین نظری ندارد. ایشان به خود من گفته است که در مورد برجام هدف انجام مذاکرات، به نتیجه رساندن آن است و نه مذاکره برای مذاکره. فعلاً مذاکراتی در حاشیه و جنوب خلیج فارس و اروپا در حال انجام است.

آیا احیای روابط ایران و عربستان را می‌توان چراغ سبزی برای احیای برجام دانست؟

همان زمان که در ایران به سفارت عربستان حمله کردند، من گفتم که این اقدام خطای بزرگی است و معلوم نیست این جریان از کجا هدایت می‌شود.

متأسفانه این اقدام هفت سال به سیاست خارجی ایران ضربه زد و ارتباط کشور با همسایگان اسلامی‌اش را مختل ساخت. تجدید روابط با عربستان بسیار مثبت است و باید زودتر هم اتفاق می‌افتاد. نه‌تنها در مورد عربستان، بلکه در ارتباط با سایر کشورهای خلیج فارس و کشورهای آسیایی و کشورهای قفقاز و آسیای مرکزی و ... باید تلاش شود تا ارتباط مثبت وجود داشته باشد و روابط بین‌الملل ایران احیا شود.

انتخابات مجلس اسفند ماه برگزار می‌شود؛ با توجه به شرایطی که کشور طی حدود یک سال اخیر داشته است، میزان مشارکت را چقدر پیش‌بینی

می‌کنید؟

مشارکت در انتخابات هر مقداری که افزایش پیدا کند مشروعیت نظم جمهوری اسلامی بالا می‌رود. چراکه حکومت ما جمهوری است.

اگر شورای نگهبان به طرفی حرکت کند که روز به روز نقش مردم در انتخابات کاهش پیدا کند، به همان اندازه مشروعیت جمهوری اسلامی هم کاهش می‌یابد.

من امیدوارم که شورای نگهبان به این نتیجه رسیده باشد که مسیر رد صلاحیت‌ها اشتباه است. انتخابات دوره پیش ریاست جمهوری و مجلس منجر به پایین آمدن میزان مشارکت شد و هم موقعیت داخلی و هم موقعیت بین‌المللی دولت و حاکمیت را پایین آورد.

چنانچه روال به شکل سابق باشد مطمئناً مشارکت افزایش نمی‌یابد. اما اگر تصمیم بگیرند که اشتباهات گذشته را تکرار نکنند و رد صلاحیت‌ها کاهش یابد به نفع کشور خواهد بود، در غیر این صورت راه به جایی نمی‌برند.

آیا اعتراضاتی که از شهریور سال گذشته شکل گرفت، همچنان ادامه دارد؟ رویکرد حاکمیت در این باره چیست؟

این موضوع را از موضع عضویت در مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌گوییم؛ اکنون بسیاری از رویکردها باید تغییر کند. من به ضرس قاطع می‌گویم برخوردهایی که با دانشجویان یا استادان دانشگاه‌ها انجام می‌شود روز به روز دانشگاه‌ها را به طرف سنگر مخالفت هدایت می‌کند.

به زور پوشش دانشجویان را محدود و یا استادان را بازنشسته و ممنوع‌التدریس می‌کنند. برخی هم در این مدت از تحصیل و تدریس محروم شدند.

دانشگاه مهم‌ترین بخش علمی و نخبگی مملکت است؛ متأسفانه همین برخورد با روزنامه‌نگاران، ورزشکاران، هنرمندان و ... هم دیده می‌شود.

رفتارها به گونه‌ای است که بخش فرهیخته جامعه را کاملاً از شرایط ناراضی می‌سازد. از سوی دیگر، مشکلات اقتصادی باعث می‌شود توده مردم ناراضی شوند.

چنین وضعیتی برای کشور هشدارآمیز و خطرناک است. از این رو امید می‌رود روش‌های مدیریتی تغییر کند و بینش حاکم به بینش فرهنگی تبدیل شود. باید با مردم، فرهیختگان، ورزشکاران و هنرمندان برخورد فرهنگی شود.

منبع: تجارت نیوز